



تورروی سرشان پرچم ایران است

مجری برنامه، میلاد نورانی، عضو شورای اجتماعی محله اقبال است و تلاش می‌کند شب خاطره‌انگیزی برای زوج‌های امشب رقم بزند و برای عروس‌ها و دامادها برنامه‌های هیجان‌انگیزی برگزار می‌کند؛ از مسابقه‌های طنز و سرود گرفته تا سؤال درباره نکات ریز همسررداری که همگی در احادیث شیعه آمده است. جایزه هم تادلتان بخواید، کنار دستش چیده شده است و به بهانه‌های مختلف به هر عروس و داماد جایزه می‌دهد. کلی پتو و چادر نماز روی هم چیده شده است. مولودی می‌خوانند و دست می‌زنند، پشت سر هم سرودهای حماسی پخش می‌شود و پرچم کشورمان در دست مردم روی هوا می‌رقصد و می‌چرخد. ۱۴ زوج جوان کنار هم نشستند تا پس از این شب، زندگی مشترکشان را آغاز کنند. پرچم ایران را روی سر عروس‌ها و دامادها می‌گیرند و شروع می‌کنند به ساییدن قند. زوج‌های جوان، یکی یکی می‌آیند و زندگی‌شان را زیر پرچم ایران آغاز می‌کنند.

۱۴ زوج جوان با همراهی اهالی انقلابی محله اقبال مراسم عروسی را در دل اجتماعات شبانه برگزار کردند

عقدکنان زیر پرچم ایران

مادری کردن برای یک محله

سکینه خانم سویری مدام بین جمعیت راه می‌رود و همه چیز را زیر نظر دارد تا مراسم ازدواج آسان این ۱۴ زوج به بهترین شکل ممکن برگزار شود. او برای یک فامیل و شاید برای یک محله مادری کرده و رخت عروسی و دامادی بر تن دخترها و پسرهای بسیاری پوشانده است. خانه قدیمی‌اش بارها شاهد بارش نقل و نبات‌های سفره عقد عروس‌ها و دامادهایی بوده است که پیوند زناشویی‌شان را زیر سقف این خانه بسته‌اند و حالا پایگاه ازدواج آسان در مسجد چهارده معصوم (ع) محله اقبال را می‌چرخاند که خانه امید خیلی از جوانانی است که در مسیر ازدواج با پیچ و خم‌های دشواری روبه‌رو شده‌اند. او می‌گوید: چندی پیش در کانال امور مساجد فراخوان دادم و از جوان‌هایی که دوست داشتند مراسم ازدواج آن‌ها در اجتماع مردم انقلابی برگزار شود، دعوت کردم که خودشان را معرفی کنند. زوج‌های بسیاری اعلام آمادگی کردند، اما ما با تحقیقاتی که انجام دادیم ۱۴ زوج را انتخاب کردیم. سکینه خانم ادامه می‌دهد: سعی کردیم به عنوان تشکر و برای خوشحالی زوج‌ها، با کمک خیران‌های محله هم برای آن‌ها تدارک دیدیم.

به یاد شهدای میناب بله

اولین زوجی که خطبه عقدشان جاری می‌شود، زهرا و محمد هستند. زهرا که سال گذشته پدرش را از دست داده است، می‌گوید: جای پدر و مادرم خیلی خالی است؛ آرزو داشتند این روز را ببینند. زوج بعدی سحر و محمد هستند. عاقد خطبه عقد را می‌خواند و عروس خانم‌ها یکی یکی به آقاده‌ها «بله» را می‌گویند، البته با اجازه بزرگ‌ترها! سحر می‌گوید: همیشه دوست داشتم در عروسی‌ام جمعیت زیادی حضور داشته باشد. خدا را شکر امشب بیشتر از ۲ هزار نفر مهمان دارم که در این شب زیبا کنار من و محمد هستند. سحر دوست دارد زندگی‌اش را به یاد بچه‌های مدرسه شجره طیبه میناب شروع کند. برای همین وقتی حاج آقا می‌خواهد بله را از او بگیرد، سحر با صدای بلند می‌گوید: «به یاد شهدای دانش‌آموز میناب، بله».

دل خوش و برکت زندگی

زهرا و مجتبی دیگر زوج خندان مراسم هستند. مجتبی با لحن مثنوی‌وار می‌گوید: من و زهرا خانم هر دو در پایگاه بسیج مسجد محله مان حضور داریم و همان‌جا با هم آشنا شدیم. به نظر من یک بچه بسیجی همیشه باید کف میدان باشد، حتی در لباس عروسی و دامادی. از زهرا می‌پرسم: مهریه‌ات چیست؟ یا لبخند و شوخی می‌گوید: «۱۲۴ هزار صلوات؛ آقاده‌ها اگر می‌توانند پراخت کنند!» زهرا ادامه می‌دهد: من و آقا مجتبی اصلاً بنده‌مادیات نیستیم. یک لقمه نان را بادل خوش می‌خوریم. ولی زندگی را ساخت نمی‌گیریم؛ همین طوری برکت می‌آید به زندگی‌مان.



رضاری‌های اجتماع اهالی محله اقبال هر شب با شور و حال خاصی در میدان شهید صیاد شیرازی برگزار می‌شود. این اجتماع چندی پیش، میزبان مهمان‌های ویژه‌ای بود. ۱۴ زوج جوان تصمیم گرفته بودند شادترین شب زندگی‌شان را کنار آدم‌هایی باشند که بیشتر از ۶۰ روز است سنگر خیابان را رها نکرده‌اند و هر شب، نام ایران را فریاد می‌زنند. میدان شهید صیاد شیرازی پر از شادی است. ماشین‌های عروس یکی یکی از پیچ خیابان که می‌رسند، جمعیت به استقبالشان می‌رود. خانواده‌ها با بچه‌هایشان از یکی دو ساعت قبل در میدان صیاد شیرازی جمع شده‌اند تا آغاز جشنی متفاوت را از نزدیک ببینند؛ جشنی که رنگ و بوی صمیمیت محله، همدلی مردم و شادی بی‌غل و غش جوان‌ها را در خود دارد. در گوشه میدان، سفره عقد سفید و ساده‌ای گسترده شده است؛ سفره‌ای که دختران محله از عصر با گل‌های تازه، شمع‌های کوچک و ریسه‌های دست‌ساز، تزئینش کرده‌اند. همگی منتظرند ۱۴ زوج جوان که تصمیم گرفته‌اند شادی بزرگ زندگی‌شان را با مردم محله تقسیم کنند، از راه برسند.

به محض رسیدن اولین ماشین عروس، میدان پر می‌شود از صدای سوت، هلهله و دست زدن. یکی شکلات و نقل روی سرشان می‌پاشد و دیگری سینی شیرینی را بین حاضران در میدان دور می‌دهد. یکی دیگر از اهالی برایشان کارت هدیه تدارک دیده است و سالمندها هم لبخند به لب برایشان آرزوی خوشبختی می‌کنند. حضور پرانرژی اهالی باعث شده است مراسم حال و هوای گرم و خانوادگی پیدا کند. انگار همه دست به دست هم داده‌اند تا نخستین شب مشترک این زوج‌های جوان، شیرین‌تر و به یادماندنی‌تر آغاز شود.